

(عنوان مراسلات)

اسكندرية

(اداره چهره نما)

صندوق پوست

نمره ۵۳۳

ALEXANDRIE
CHEHRE NUMA

Boite de la Poste

No. 533

اعلان سطري

دو فرنگ در تکرار

باداره رجوع شود

ظروف

وپاكتهاي بدون

مقبول نخواهد شد

چهره نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جريدة مصور

۱۵ ذی القعدة ۱۳۲۲ هجری مطابق ۲۲ يناير ۱۹۰۴ میلادی

وجه پست داخله و خارجه بمهده اداره است

(قیمت آبونه سالیانه)

اسكندرية و قطر مصر

سه ریال ۳

ممالک دولت علیه ایران

سه تومان ۳

بلاد محروسه عثمانی

چهار مجیدی ۴

انگلند هندوستان

ده روپیه ۱۰

قفقازیه ترکستان

هشت منات ۸

اروپاچین بیست

فرنگ ۲۰

این روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب موقتاً ما هی دوبار و بعد هفتگی کی طبع و توزیع میشود

عالم اسف

فهرست مندرجات

خبر محنت اثر فوت شاهزاده والاتبارسپهسالار وزیر جنگ دولت علیه ایران تلکرافاً از جانب جناب مشیر الدوله وزیر امور خارجه به بقاء السلطنه وزیر مقيم مصر رسید فوری جنرال قونسل بتامی قناسل قطر مصر ازین قضیه جانگداز و رسم سوگواری مخابره کرده و در مصر خود مجلس ماتم و عزاداری پای داشته و جناب پرنس ارفع الدوله در این مجلس شرکت داشتند و نیز مهران خان قونسل اسکندریه مجلس عزامرتب و عامه ایرانیانرا اعلام داشت

(چهره نما)

(انالله وانا الیه راجعون)

بزرگترین مصیبتی جانگزا و مهمترین مخفی غمزاگه

عالم اسف — چهره نما — مکتوب از بمبئی —
تلکراف تجار بمبئی بدربار ایران — مکتوب یک از موثقین شیراز — نطق شاهنشاهزاده — شعاع السلطنه — ماده تاریخ — مقبره خواجه حافظ — چهره نما — دارالخلافه طهران — چهره نما — نقل از کرامی روزنامه حکمت — مکتوب از بادکوبه — چهره نما — خجند — اعلان مدرسه رشدیة — ساری — کردستان — انزلی — چهره نما — مقاله الاحتکار آفة العمران — تلکرافات عمومی — ابواب جمعی امناء — چهره نما — بقیه اسامی و کلاهی چهره نما اسکندریه — جافا — دعوة الحق — اعلان — اعلان ثانی

حضرت قادر ذو الجلال وملك علام متعال در این مصیبت کبری بحضرت صدارت عظمی و سایر متعلقان صبری جمیل واجری جزیل اعطا بفرماید اجزاء (اداره - بهره نما) در این مصیبت بزرگ وداهیه سترگ بباقی ماندگان انمغفرت مآب همغم ودر تاسف وتالم شریک وهم دمنند

مکتوب از بمبئی

جناب مدیر . . . امروز شما آقایان زبان ماملت ایران میباید والبته هر چیز خیر وفایده وطن عزیز ورفاهیت ملت دران است بایست در آن بحث نمائید بلکه از اثر قلم آن بی غرضان رفع بی اعتدالیها بشود واین یکمشت رعیت که در ایران بجا مانده اند جلاء وطن اختیار نکنند باری یقین از تعرفه جدید کاملاً اطلاع دارید لا بد چون امر دولت ابد مدت بود تسلیم شدید تنزل نقره هم بجائی رسیده که امروز صد قران بیست سه رویه رسیده از همه اینها که بگذریم نامنی طرق وشوارع آمده از همه اینها گذرانیده درسه یوم قبل تلگرافی از یزد بامضاء جمعی تجار محترم رسیده که دلالت بران داشت که اموال کلی بسرقت سارقین به باد رفته و هیچ داد رسی نیست بهر کجا تظلم مینمایند جوانی که تسکین قلبی شود نمیرسد در این خصوص تجار ایران مقیم بمبئی تلگرافی بطهران کردیم وامنیت راه واسترداد اموال مسروقه را از امناء دولت خواستگار شدیم باداره جات اخبارات که امروز زبان ماملت ایرانیاوند استدعاء نمودیم که بهر نحو صلاح میدانند امناء دولت امتذکر نمایند که اسباب رفاهیت این مشت رعیت بی - پاره دولت خواهر افرام آورند لهذا از اندر هم تمنی ومستدعی چنانیم که در نامه مقدس بهر نحو میدانند بطور شایست و بایست امنیت راه واسترداد اموالی که این اوقات بسرقت رفته بخوانند خدامیدانند اگر رفع این بی اعتدالیها

زیاده از تصور وهم و قیاس وقوه حوصله انسانیت ودلهای فسرده وقلوب پثر مرده هیئت ایرانیانرا داغی است بزرگ وزخمی است بر ریه هموطنان سترگ که باین زودی التیامی نه پذیرد وباین آسانی سکونی نگردد فوت شاهزاده سپهسالار وزیر جنک دولت علیه ایرانست محقق است هر کس باز کتم عدم بعرضه شهود نهاد وقدم از عالم ارحام بعرض امکان گذارد لا بد باید رخت نیستی بسرای هستی کشد وجان مستعار را که بعاریت دارد تسلیم نماید وبجواب روح فزای (یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الی ربك راضیه مرضیه) لیک گوید (در کف شیر تر خونخواره * غیر تسلیم ورضا کو - پاره) (وادر کتم الموت ولو کتم فی بروج مشیده) پس معلوم است که هر کسی از جام (کل نفس ذائقة الموت) خواهد چشید وخط بطلان وانعدام لا بد بقامت هستی مملکنت خواهد رسید وذی روحی نماید وصاحب نفسی نباید (کل شیء هالك الی وجه) خوشا بران عنصر پاک وروان تابناک که در دامن خاک از حسن اعمال ونیکی افعال حاصل حیات خود را داشته ودر اوقات زندگی تخمی کاشته و(الدنيا مزرعة الاخره) را همواره منظور داشته ونامی بمجد واقبال وبه بزرگی واجلال در صفحات تالیخی نهاده و گذشته وهمواره اسمش بر رخ ونامش بمغفرت در افواه والسنه برده میشود (سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز * مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند) اما فرقی است میان رفته وباقی مانده چنانچه فوت شده سراسر رحمت است برای بازمانده از فراق ومصیبت او همه زخم است این است که این گردون دون، وکنبد بوقلمون. پیشه اش ستمکاریست واندیشه اش غداریت هنگام فراغت مشقه و اوقات استراحت زخم آرد اینک که شاهزاده معظم (سلطان عبد المجید میرزا صدر اعظم) با افکار صائبه وخیالات ثاقبه سراپا دانش و مجسمه ینش شده اند ودر راحتی رعیت وآبادی مملکت وآسودگی ملت وشوکت دولت وسطوت سلطنت آتی منفک نیستند چرخ بنای شرارت انگیزی نمود چاره چیست (ان الله یحب الصابرين)

نشود از مسلمیات است که رشته تجارت تجار ایرانی مقیم این صفحات بطرف ایران بکلی کسبخته بلکه بکلی ترک علاقه هم میکنیم افسوس که کار بچه وضع پیش آمده که قلم مراضی نمیشود که ذکر ترک وطنیکه خاک ان بارشته جانمان بهم پیوسته است بکنیم

﴿ سواد تلگراف تجار بمبئی ﴾

(بدربار دولت علیه ایران)

بخاکپای اعلحضرت قدر قدرت شهر یاری ارواحفاده تاکنون از به تجار یزد از سارقین راه بندرعباس وتوابع شیراز عرض تظلم باولیاء دولت نموده اند مگر نه بخشیده اموال خاکساران دولت ابد مدت علیالاتصال بمعرض نهب وغارت میروند سلب امنیت از طرق وشوارع شده رشته تجارت بکلی کسبخته از آستان مبارک باکمال عجز استدعا میکنیم که احکام آئیده بجهت امنیت واسترداد اموال چاگران صادر شود (عمومی تجار بمبئی)

امید است که عین تلکرافرا در روزنامه مبارکه مندرج یفرمائید انشاءالله هر به از دار الخلافه طهران وزرد جواب رسید باز ارسال مینمایم که درج نمائید (خیر خواه وطن)

وترس دارد که برود وعصا نوش جان کند بعنقش برزند وکردند هر به خواستند يك از تلامذه باقا عرض کرده بود نباید ضرر داشته باشد وباکی نیست تعمیر قبر حافظ آقا گفته بودند (مردیکه مجهول القدر یاوه کوی صوفی مشربی که ضریح برایش بسازند وکنبدي بر فراز قبرش بر افزازند پس از مرور دهور اما مزاده خواهندش گفت و... ان اوقات هنگامه بود در شیراز ماهم بادیده گریان وسینه بریان رقیم وکفتم اف روزگار بر توباد کسیکه دانشمندان فرنگ اورا به بزرگواری بستانند ودیوانشرا ترجمه نمایند ابناء وطن قدرش ندانند تا این اوقات که باز - پندیست باین شهر رسیدم بحافظیه رقم اوضاع مقبره خواجه را شکلی دیگر دیدم عمارتی متین البیان وبنائی رشک جنان که بر مقبره خواجه حافظ بنا شده حیرت بر حیرتم افزود از همت عالی نهمت شاهنشا هزاره عظیم الشان شعاع السلطنه این بنا استوار شده پس از تحقیقات معلوم شد حضرت شاهنشاهزاده علاوه بر این آثار عظیم در صدد احداث مدارس هستند - پنانچه در یکی از اعیاد در سلام عام که تمامی بزرگان واعیان حاضر بودند نظقی فرموده اند وآن این است

﴿ نطق شاهنشا هزاره شعاع السلطنه ﴾

بحمد الله تعالی در این عهد خسروگردون مهد درجات علم ودانش که يك از مکنونات خاطر مبارک اعلحضرت شاهنشاهی است يك بر هزار ترقی نموده که عما قریب از هر حیثیت ظاهر و مشهود خواهد گردید وبعون الله در این شهر شهر شهر چند باب مدرسه ابتدائیه که از هر گونه علم وفنون که در آن درس گفته شود تاسیس خواهم نمود که خوشنودی اعلحضرت قدر قدر شاهنشاهی در این است والبته باید آقایان علماء اعلام تقویت وهمراهی در ترقی ابناء وطن عزیز خود بنمایند که متدرجا احتیاجات خود را از خارجه کمتر نمایند بلکه در وطن خواهی ونوع پرستی قسمی بنمایند که مملکت ایشان از دانشمندی محسوس

﴿ مکتوب يك از موثقین شیراز ﴾

مدیرخوش تقریر حقیقت تفسیر روزنامه مصور - بهره نما (صبر وظفر هر دو دوستان قدیمند * بر اثر صبر نوبت ظفر آید) بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر * باردگر روزگار - بون شکر آید) از غرائب روزگار این است که این پیر پرشکته در پنج سال - چهار ماه قبل در شیراز بودم واز انهدام قبر خواجه حافظ بحکم آقای اقا سید علی اکبر سخت که یستم حتی روزی شخص آهنگری رادوچار جماعتی نا بکاران دیدم ماجرا پر سیدم گفتند میخواستند پنجره آهنین بجهت قبر خواجه بسازد آقا اورا خواسته اند

خداوندي بايد اين آثار خيريه بنام من بر قرار شود و البته
 خيالات عاليه خود را اجرا خواهم نمود (از دیدن قبر
 خواجه حافظ و عمارت باشکوه او و شنیدن این نطق
 شاهنشاهزاده در خود نگنجیدم کفتم روپورت این مطلب
 و تاریخ بنا و دو طغرا عکس يك از مؤسس ويكي از اساس

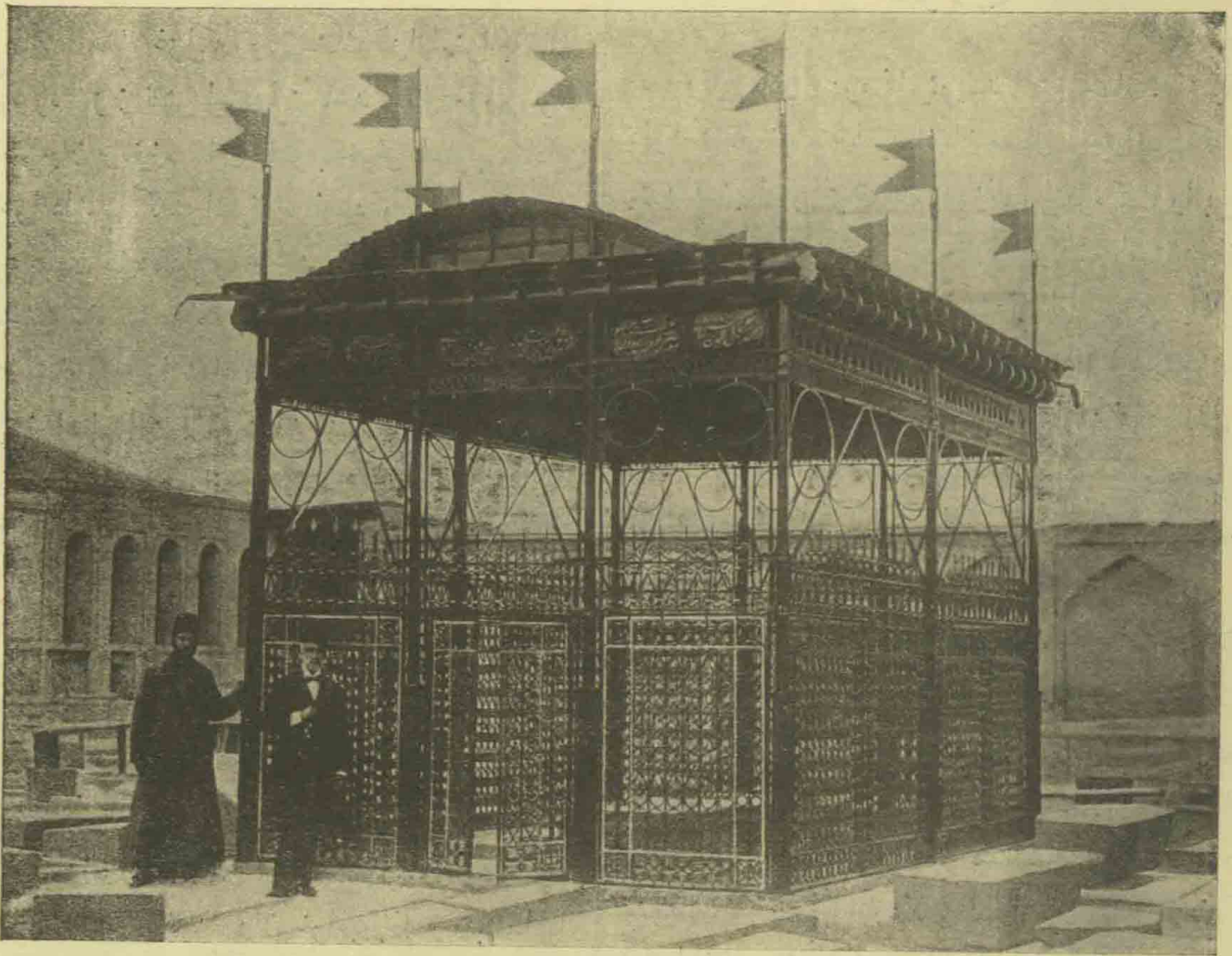
سایر بلاد گردد و امروزه بر تمام اهل ایران ظاهر گردیده
 است که ترقی اهالی خارجه بواسطه مدارس ابتدائیه
 میباشد باین واسطه در هر بلدي مردمان وطن پرست
 مدرسه ها تاسیس نموده اند و تا امروز شهري که شهرت
 بدار العلم دارد داراي یکمدرسه ابتدائیه نمیشد بخواست



حضرت والا شاهنشاهزاده اعظم ملك منصور ميرزا شعاع السلطنه

PRINCE MALEK MANSOUR MIRZA
 SHAUASSELTANEH

یعنی عکس شاهنشا هزاره اعظم شعاع السلطنه و عکس مقبره خواجه حافظ را باداره مبارکه بفرستم مندرج بفرمائید



— بقعه خواجه حافظ از تاسیسات شعاع السلطنه —

گراو مدایج حافظ شیند داد جزا
 ولی تنای خود این ناشینده کرد ایثار
 شعاع السلطنه فرزند شه ملک منصور
 به برد کوی زمصور اولین صدبار
 درم فشاند و هندس بخواند و همت کرد
 چه حصن چرخ برین سخت ساختش ستوار
 کنون سزد که بروند حوربان جنان
 غبار ساحت اورا بزلف غالیه بار
 اگر کسی ز تو پرسد نشان تاریخی
 پی عمارت این بقعه بهشت آثار
 بگو بگفته شوریده فصیح الملک
 بحافظیه یابوین هوای بهار
 (۱۳۱۹)

— ماده تاریخ مقبره خواجه حافظ —
 به بین فزایش سعدی بخت حافظرا
 زفرخی فضاو زانوری مزار
 زهی شرافت حافظ که در حیات و ممات
 بدوشدند دو منصور بن مظفر یار
 یکی زال مظفر ملوک خطه فارس
 یکی ز شاه مظفر خلاصه قاجار
 یکی فشاند براو نور آفتاب آسا
 یکی فکند براو سایه آسمان کردار
 یکی بحضرت او در حیات کرد نیاز
 یکی بترتت وی در ممات بست حصار
 مزار حافظ کز تیشه تطاول دهر
 خراب گشت چه نیاد صبر عاشق زار

(چهره نما)

طهران

وقایع نکار - بهره نما مینویسد چنانچه از وقایع دار الخلافه خواسته باشید انسان معطل و حیرانست که چه بنویسد زیرا من نمیخواهم روزنامه چهره نما را بدیشم سایر جراید بینند که هرچه خلاف واقع است در آنجا بینند و بقسمیکه پاک و صاف است در او چیزی با لایش اغراض کفته شود بریده باد دست و قلم آنکه خوب را در کسوت بدوید ادر لباس خوب ارائه نموده ملت را براه کثر میاندازند اخبار لایقه بدرج در جریده مبارکه انقدر است که یکدینارا پر میکند ولی کوانقدرت راست نویسی و کوانقدرت راستگویی

اولا وزارت معارف است که این روزها تغییر یافته شخص اعلی حضرت شهریاری خواستند که معارف مملکت را رونقی دهند کرارا جناب اجل اقای نیر الملک وزیر علوم سابق را احضار فرمودند و نواقص را گاهی بتصریح گاهی بتلمیح فہمائیدند باصلاح آن تأکیدات مرحمتانه فرمودند تشویقات لایقه بجا آوردند و دفعه از دفعات فرمودند که اگر اطفال مسلمین بقصد تحصیل علوم بخارجه میروند و بنای دینشانرا بپاد میدهند البته وبال ان برگردن دولت است که اسباب تحصیل رعیت را در داخله فراهم نماید و در صورتیکه دولت این همه اصرار و تاکید میکند و از بذل مال مضایقه ندارد و ابداً نتیجه که وسیله اقناع افراد ملت باشد نمی شود و مال و زحمت بهدر میرود البته وزیران راجع برگردن وزارت علوم میشود زیرا که وقتی چراغچی مصارف چراغ از دولت گرفت و بمصارف غیر مشروعه خیالات خود رسانید و کویہ و شوارعرا تاریک گذاشت و کمی در تاریکی مبتلای خسارت مالی یا جانی گردید البته چراغچی مشغول الذمه است تا په رسد بر اینکه خود چراغچی تاریکی طلب باشد که بتواند کلاه عابریں را از سر وردا از برشان بردارد غایت اینکه دولت مؤاخذه اینرا دارد که بعد از کشف خیانت چراغچی سیاست لایق براو

ظاهر آ مطلع غزایکه روی سنگ مزار خواجه حافظ قدس سره العزیز نقش است این باشد (مژده وصل تو کو گز سر جان برخیزم) این مکتوب خوش اسلوب مفاد این مصرعرا داشت که سراسر فرح فرود و یکعالم مارامسرت بخشود عجب مژده داد روح بخش شکر خالق بر ایارا که از همم عالیہ شاهنشا هزاده جلیل القدر آزاده گردون و سادہ (ملک منصور میرزا شعاع السلطنه) فرما فرمای مملکت فارس نیر اعظم افق آرزومندان از پشت سحاب ظلمت غفلت نور پاش عالم انسانی و مدنیت گردید و یگبارہ روح حقیقی و روان معنوی مرده و زنده اهالی فارس احیا شد الحق افسح الفصحا و المتکلمین حاجی فصیح الملک که در ملک سخن سرائی بلا نظیر است در این قطعه تاریخ داد سخن داده و برای دیگران سهمی نگذارده و فرمایشات رعیت خواهانہ شاهنشا هزاده اعظم در سبب ترقی دول و باعث تقدم ملل هر کله اش یکعالم بشارت دارد و هر حرفش از عروج اقبال اهالی فارس در معارج ترقیات حالیه اشارت میکند امیدواریم چنانچه (روان خواجه بخند برین بشدا یا) ابناء وطن مقدس یعنی بزرگان دولت و رؤسای ملت پیروی بمقاصد نیات متعالیه شاهنشا هزاده اعظم شعاع السلطنه در ایجاد مدارس ابتدائی بنمایند چنانچه ما محض تشویق و تنیہ سایرین عکس شاهنشا هزاده که مؤسس این اساس شرافت ملی است - مرثسم میکنیم و از برای خشوقتی آرزومندان عکس مقبره خواجه حافظرا که شاهنشا هزاده اعظم شعاع السلطنه همت مبذول داشته اند رسم کردیم و امید داریم شعاع نیر علم از روزنهای مدارس ابتدائی شیراز درو دیوار روشن کنند و ما عکس شاگردان مدارس ابتدائی که امتحان داده باز مرثسم کنیم (باش تا صبح دولتش بدمد * کین هنوز از نتیجه سحر است



ومکاتب حکم واحدا یافته کتب تدریسیه سر و صورت صحیحی حاصل کند و این وضع ناهنجار که وسیله اضمحلال اقتدار دولت و ملت است طرز خوب و اصول مرغوب پذیرد انشاء الله شرح اقدامات وزارت جلیله علوم و معارف را کما وکیفا هفته بهفته بعد الاقدام عرض خواهم کرد

دیگر دیروز شنیدم که جناب اجل عالی سعید السلطنه وزیر نظمیة میخواستند برای تعلیم و تربیت تمام اجزای نظمیة مدرسه بسیار عالی مشتمل بر دو مرتبه یکی داخله یکی خارجه مرتب نمایند قریب بیصد نفر از ژاندارمها و موزیگان بیهای اداره را بعلم والسنه و ادبیات و ریاضیات بنشانند انشاء الله بعد از تحقیق تفصیل این اجمال نیز عرض می شود

جناب تھے الملك از محترمین اجزای وزارت خارجه در احسان برادرش مرحوم دیر الدوله از ثلث مالیه او بر حسب وصیت مکتب ابتدائی مجانی در غایت نظم دایر کرده تمام لوازم خوراک و پوشاک بیست نفر از اطفال نجیبی فقرار را میدهد و آنها را تعلیم میکند و مبلغی که کفایت خرج سالیانه این مکتب نماید عاید املاکی است که موقوفه این اداره ترتیب شده نظارتش باصول صحیحی در عهده مستولیان متدین نهاده شده است که بخلاف سایر موقوفات بمصارف دیگر نرسد و وضع تعلیم و تربیت و قانون تدریس و تجلیت این مکتب مطابق پرگرام مدرسه رشیدیہ و بمعلمی اشخاصی است که خودشان از بدو تعلیمشان در مدرسه رشیدیہ تحصیل کرده و برتبه معلمی رسیده اند مطلب دیگر مدرسه رشیدیہ نقل بمحل دیگر شده جناب حاجی میرزا حسن اقا مدیر رشیدیہ اعلانی کتابچه مانند نشر داده اند یک جلد او را میفرستم در جریده ملی مندرج بفرمائید

دوسه روز قبل سید را زنجیر در گردن پایها در شکم انب بسته از ارومیه وارد طهران کردند که یکنفر کشیش از تبعه انگلیس را برای رده کفتن انبیا کشته است عجماله دولت انگلیس عرصه را از رقیب خالی یافته کر به رقصانی میکند (ولی بحمد الله والمئه ذره پیشرفت نخواهد داشت)

جاری نمیدارد و او را بحال میگذارد اگر چه در حقیقت دولت را در این امر هم تقصیری نیست زیرا که مأمورین سیاست خاین و شریک دزدیهای جرائی هستند و دولت هم که نمی تواند برای خدمات دولتی ملائکه از آسمان بیاورد با اجمله این سودا در دماغ دولت غلیان کرده

از تغییر وزارت علوم و معارف تا پار شد محض تلافی مافات و اشاعه معارف که اولین مرتبه خیر است جناب جلالآب اجل اکرم اقای علاء الملك که از حیث خانواده بکیده معرفت و تدین و تربیت یافته خانواده علم و تمدنست و در نجابت و اصالت از دودمان رسالت بوده از اجله و اعظم طایفه طیبه طباطبائی میباشند و مدتها در سفارت سنیه دولت علیه در دربار معارف مدارا علحضرت خلافت پناهی و دیگر سفارتهای همه نوع تجارب عالمی و عملی تحصیل نموده خود را در سلك اعظم رجال دیپلماتی عالم منسلک داشته - بوزارت جلیله علوم و معارف انتخاب فرمودند اگر چه تا امروز بانتظار اكمال نواقص اداره معارف به تنظیمات این مأموریت مهمه اقدام نفرموده و در تدارک انجام لوازم هستند ولی عموم معارف پروران و ترقیخواهان مملکت را رجای واثق است که بخلاف از منته سالقه هیئت لطیفه معارف را حیاتی و جسم علوم را جانی خواهند دید که استعداد خدا داده افراد ملت ابدا عاطل و باطل نماند و هر کسیرا بقدر وسعش و وسایل تربیت و ترقی فراهم آید زیرا که اینوجود محترم تاحال مباشر مشاغلی شده است که اگر شان و مقامش بعلم مقام وزارت علوم نبوده ولی منافع مالیه و عواید حالیه اش مثل سایر رجال دولت بوده است (اگر چه خاطر دارم که در حکومت کرمان بسیار متضرر شدند) و اینکه مشغل مشاغل وزارت علوم را که وجهها من الوجوه عاید مالی و ترفیه حالی ندارد قبول فرموده اند نبوده است مگر از شوق فطری و ذوق جبل و غیرت وطنی ایشان بر معارف مملکت و ترقی و دانش افراد ملت امید داریم که تمامی مقاصد مقدسه ضمیر منیر معدلت تخمیر اعلحضرت شهریاری بهمت و الانهت این وزیر با تدبیر صورت تجلایی حاصل نماید

نقل از کرامی روزنامه حکمت

منطبعه مصر

کیفیت سیاست این گروه را اطوار مختلفه است یکی از آنها این است همنیکه این پدران مهربان با سم مدرسه و بیمارستان ریشه خود را در کشوری محکم کردند انوقت باستادی بنای بدسلوکی با اهالی گذاشته مفاسد چندی بر پا کرده عوام الناس که از هیچ جا خبر ندارند بستوه آمده پس از التجا برؤسای ررحانی بنای مدافعه گذاشته تادر اثتای معرکه چند نفر از این پدران مهربان زخم‌دار یا کشته می شوند . که همانروز قونسل یا - فیر (فرانسه) (یا انگلیس) ، (یا روس) با سایر همکاران خود یکدل و یکزبان شده که برای نصاری دیگر امان و امنیت در این کشور نماند ، آنوقت بنای تشر و بیرق خواباندن است ، انوقت اگر طرف مقابل ضعیف الرأی است ریشه اش را کنده کشورش زیر و زبر میکنند و اگر کریم جانی دارد بگرفتن بعض امتیازات مهمه از قبیل معدن و رسوم کمرک و کارخانه وغیره موقتا قناعت کرده تا این پدران ثبوعی ترانه دیگر ساز کرده تا به نوازند . شورش جبل لبنان و ارمنستان و - بین شاهد این مقال تواند شد . پنج سال قبل (لورد سالسبوری) وزیر اعظم انگلیس حالت این گروه و کردار شان را خوب تصریح نمود که (برای تسخیر ملک خارجه اول کشیش دوم سفیر سیم توب است) در ایران در (ارومیه و خسروا و سلماس و تبریز و جلفای اصفهان) مدارس چندی از این گروه برپا بوده که در حقیقت اینهارا (انبان - په مار) باید نامید همچنان کشیشان پروتستانت را . چنانچه در شورش ارمنیان بعثمانیان در زمان یکی از پیشکاران آذر بايجان چندین هزار تفنگ و شش لوله در کلیساها و مخازن اینان موجود بوده که باشعار و اخبار این بنده اول ضبط بعد شد .

حال درخون بهای کشیش دولت مبلغي میدهد سفیر انگلیس راضی نمیشود مدعایش چیست و مطلوبش چه هنوز معلوم بنده نشده بعد الوضوح معروض خواهم داشت بگذار رجال دولت و علماء ملت در خواب غفلت خوش بخوابند و خورنا بزنند و فریاد روزنامه نویسهارا نفیر خواب یالا لای راحت پندارند و هرروز امتیاز افتتاح مدرسه بدعات مسیحیه داده هزاران ازین فتنه ها در زیر سر بگذارند هر مسیحی بی غیرتی باشد همیکنه مرگ خود را در ایران وسیله اینقدر شرف خود و نفوذ دولت و ملت خود بیند البته مرگرا بجان خریدار خواهد شد

چهره‌نما

امروز بزرگترین مرضی میثوم موذی تحت الجلدی که میخاهد کم کم ریشه در اعصاب و عروق جسم مملکت ما بدواند ورخته فتنه بر بنیان اساس راحتی اهالی ایران بیندازد و دفع او و قطع چنگالش بر اولیای دولت قویشوکت ایران بهره زودتر لازم است مرض منحوس خانمان بر انداز و درد یدرمان جگر گداز کشیش خدعه کیش است که این طایفه بهر جادست انداختند کار ملک و ملت را یگسره تباه ساختند خصوص اگر بدسایس و حیل و وسایس و دغل اول محتال نیرنگ باز فریب ساز (انگلیس) بوده باشد که دیگر باید مسلماً تصدیق و تسلیم کرد و بدین مرض مسری ارامنه هستند که حالیه از هر جامط و د میشوند چون سیلاب شروفته بسوی ایران سرازیر میگردد (ما در شماره های قبل در خصوص فساد اخلاق و شرارت انگیزی این قوم در بلاد عثمانیه و روسیه و طرد و نفی آنها حتی یکنفر ارمنی در تمامی دوائر حکومتی و نظامی این دو دولت کیفیت مستخدم نمیشاد و نوشتم) خوب است دولت علیه ایران بجای ارامنه از برای خدمت زر تشتی بگیرد بملاحظات چند اصلاح و اولاست و از سوء عاقبت و وخامت کردار کشیشان که زاغند بشکل طاووس و پتیاره اند بلباس عروس ما بمختصری از جریده حکمت میردازیم

مکتوب از بادکوبه

(چهره نما)

جناب مدیر چهره نما در چهره نما زیر عنوان مقاله تجارت شرحی خواندم همین است که از قلم آن یکانه آفاق ریخته میشود تجارت ما نفسی بر ایمان باقی نگذاشته امریکائیا سعی و کوششان این است که نیویورک که پای تخت امریکاست اول شهر عالم بکنند از برکت تجارت لندن که ده یازده کرور جمعیت دارد و این همه آبادی پیدا کرده از برکت تجارت است روسها این همه زحمت و مخارجشان برای تجارت بوده اما ما ب فکر زیاد کردن که نیستیم نیستیم کم میکنیم پس از معاهده جدید و تعرفه کمرک بخدا و بد آسمان و زمین بجهت ما تجارت کردن در روسیه نمانده و روسها عذر ما را خواستند از بافتنی و تباکوب و غیره تا حتی بند زیر جامه را نفسی نگذاشته اند که بشود آدم بیاورد تجارت بکلی از دستمان رفته نمیدانید و نمیدانند که چگونه گرفتار دردهائی شده ایم که بی علاج است جناب مستطاب سفیر کبیر مشیر الملک در پتر بورغ زمانیکه بادکوبه بودند همه تجار در کار پرداز خانه بحضورشان رسیده و از دردها و عیبهای این معاهده و سخت گرفتن کمرک در روسیه عرض نمودند آقای مشیر الملک جواب دادند معاهده شده و گذشته است دیگر کاری نمیشود کرد تا معاهده بسر رسد پس ما چه خاکی بسر بریزیم و بکه پناه برده در د خود ما را بگوئیم کرباس پوطی چهارده منات انهم از کیسه خنای و رنگ بمیریم بهتر از این زندگی است باز بهر سو رو کنیم چهره نما خوب وسیله ایست که این عریاض بندگان دور شده را بخاکبای جواهر آسای اعلی حضرت پادشاه رفوف مهربان از پدر بهتر برساند و از حضرت شاهزاده اعظم صدر اعظم که همه ایرانیان را حتی سرسای راست گره کشائی بطلمیم شاید بعضی جنسها که اجحاف زیاد دارد رفع کنند و از دولت روسیه خواهش کنند کمرک آنها را کمتر بگیرد که ما بتوانیم معیشت کنیم کمرک تنباکو و پاپروس و سیگار پوطی هفتاد منات بقول خودشان و بقول ماهر چه هست «ق. ن.»

چنانچه امروز هیئت جامعه ملت ایرانی بوجود جناب مشیر الملک بیاند رواست و اگر افتخارها کنند سزاست و ما میدانیم این وجود مبارک سراسر مصالح منافع دوات و ملت است و ذره در وظایف مقرره مقدسه دولتخواهی و حفظ نوامیس ملت پرستی و حقوق مشروع و وطن شناسی تجاهل و تخلفی نکند آنکه در جواب حضرات تجار گفته اند (حالیه نمیشود کاری کرد تا معاهده بسر رسد) همین است پس از اتقضاء ده سال البته رفع تجاوزات میشود و این مطلب روشن است که گاه میشود معاهده در بین دو دولت بزرگ اروپا بسته میشود پس از اجرایی در بعضی فصول باخت حسابی دارد که تمامی حیران میشوند لکن چون معاهده بسته شده گذشته میماند تا پس از اتقضاء مدت معین ما از جناب مشیر الملک در ضمن اخبار ملتسیم که امر و مقرر نمایند در عشق آباد و بادکوبه و حاجی ترخان قناسل ماموره هر هفته مجلسی تشکیل داده از اعاظم تجار و کسانیکه بیشتر در تجارت هستند اعم ایرانی یا غیر ایرانی مسلمان یا غیر مسلمان هر کس تجارت ایران را دارد طلبد بحت از مال التجاره ایران نمایند و بسنجد کدام مال التجاره کمرک بر او زیاد شده و بی صرفه است و در کدام یک از این نقاط بنادر فرقتش بیش است و هر هفته یا هر ماه صورت مجلس را به پتر سبورغ طلبد در او غوری کنند و در یکجا ذخیره شود که پس از اتقضاء ده سال ممکن است جرح و تعدیل کردن وهم از هموطنان کرام خواهش دریم که اقدام کرده در مجالس قناسل حاضر شده مجاوزات مال التجاره ها را بیان کنند این صرفه همه است و صلاح جمله کی

خجندی

تقریباً که شاعر سخن سنج یگانه میرزا (اسیری) خجندی در ستایش جلوس اعلی حضرت سلطان عثمانی به ترکی

حقیقی سروده مانظر با اتحاد هیئت جامعه اسلامی چند فرد
اورا منتخبا در جریده ملی اسلامی چهره نما تیمنا مندرج
میداریم و از بقیه بواسطه ضیق صفحات چهره نما معذرت
میطلبیم

فواره انوار

سپیده دم که کلام حق ایلسوب تذکار
او قوردم آیه مستغفرین بالاسحار
براغ مهرازل مشعل تجلی سوز
دو-بار دیده امید شعله دیدار
جلیسی حیدرو فاروق انیسی ذی النورین
صدیقی ثانی اینین اذهما فی الفار
قصس فسرده پزمرده بال گوشه عجز
(اسیری) الم آزرده حزین نزار
دیدم ایاشه دنیاودین مه کونین
سر آمد دوجهان سرو سرور دودیار
دیدتی بویت که سلطان حمیده یازمسدگ
جلوسنه متصادف شعار ایدوب اشعار
خلیفه سند انبیا امام ام
نیابه افسر اورنگ سید مختار
مدار ملت دین تکیه گاه اهل یقین
قوای بازوی اسلام قبله احرار
او گون که کرسی اجلاله سن جلوس ایتدک
قیامی عرشه یتوردی فواره انوار

اعلان مدرسه مبارکه رشديه

الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد خاتم النبيين
وعلى آله واصحابه المنتجبين ولعنته الدائمة على اعدائه غاصبي
حقوق المسلمين

اما بعد اقل دعا كويان دوام شريعت مطهره وقوام
دولت قاهره حسن ابن مهدي پيشنماز تبریزی مدير مدرسة
رشديه و اوفه الله تعالى

معروض میدارد * در دوماه قبل اعلانی
منتشر کردیم که مکتب رشديه را ببارك امين الدوله
میریم

مینی بر این بود که راه واکون از سر چشمه بدر
وازه شمیر ان کشیده میشود واز داخل شهر متعلمین
رشديه را ایاب وذهاب سهل میشود ان مقصود به تعویق
افتاد و متعلمین مکاتب منحصر به چند نفر طفل مبتدی
بجانی شد که از حوالی ببارك دعوت شده بودند

پس نظر بکسات شخصی جناب امين الدوله به مخارج
تعلیمیه آنها لازم شد که هیئت رشديه زحمت خود را از
ایشان بر دارد که اولین وسیله ابقای این کونه تاسیسات
فقط تقلیل خرج است لهذا آنجارا بمدرسه (امینیه)
نامیده مکتب رشديه را در خیابان ناصریه رو بروی
دار الفنون آوردیم و چون در جوار علم جا گرفتیم جناب
جلالتما ب اجل اکرم عالی آقای نیر الملک وزیر علوم
ومعارف نیز مقرر فرمودند که از همه قسم معلمین عالم
و دانائی که تمام دانایان ایران تربیت شده ایشان هستند
باین مکتب فیض مکسب بفرستند و از این راه نیز باب علم
و معرفت بر روی ملت باز نمایند که مکتب رشديه - بنان
که اولین سر مشق افتتاح مکاتب جدیده ملیه است اولین
نقطه تکمیل قوانین تعلیمیه نیز باشد

خداوند متعال در سایه بلند پایه این پادشاه جم جاه
رعیت پرور معارف نواز و عدل کسترو همت والا نهمت
این صدر اعظم صاحب دولت که مایه امن و آسایش ملک
وملت است وجود مسعود این وزرای الکتینت را محفوظ و
موید بدارد که با عدم استعداد فعلیه رعیت از تدارک هر
گونه وسایل تربیت مضایقه ندارند پس در صورتیکه
وزارت جلیله علوم و معارف در حق مکتب رشديه چنین
حسن ظن بهم رسانیده و مدیر رشديه را مأمور و ملزم
فرموده اند که مطابق تشویقات ایشان همه نوع متعلم را
پذیرفته و انواع علوم را تعلیم و متداول بدارد کویا کسیرا
جای تردید نماید که بی شک استعداد خدا داده هیچ

متعلمی عاقل و باطل نمانده هر کس بقدر قابلیت معنوی خود از کسب انواع کمال بهره مند خواهد شد



ساری

وقایع نگار - چهره نما مینگارد این اوقات - در ساری بخدمت الله تعالی از شیوع مرض معروف بکلی تخفیف حاصل است ولی اطراف دهات حول وحوش شهر ناخوشی جزئی هست و تلفات نسبت بسابق کمتر است حضرت مستطاب اجل و الاشاهزاده ابراهیم میرزا نایب الایاله حکمران مازندران با اجزاء محترم ایشان مشغول نظم مملکت و آسایش خلق خدا هستند و اسباب راحتی رعایا که فرزندان پادشاه هستند فراهم میآوردند مامور صندوق مالیه از طرف جناب موسیو بود مدیر کل ساری آمده از حکمران افساط مالیات را اخذ کرده باریاب حقوق مالیاتی میرساند

کردستان

وقایع نگار محترم مینگارد در عشر آخر ماه صیام بتوسطه تلگراف از طرف قرین الشرف دولت قوی شوکت خبر محنت اثر فوت مرحوم میرور آقای شریانی طب الله تراه بکردستان شرف صدور ارزانی نمود حسب الامر جناب مستطاب اجل اکرم ناصر الملک فر فرمادند مدظله در مسجد جامع دار الاحسان که از بناهای معتبره مرحوم امان الله خان والی است و تولیت و تدریس آن با جناب مستطاب قدوة الانام آقای امین الاسلام دام افاضته العالی است جناب معظم الیه مجلس عز ادازی و سوگواری منعقد نموده قاطبه اهل ملک از علمای اعلام و اعیان و اشراف و کسبه و تجار در آن محضر عز حاضر و بذکر فاتحه برای آن مرحوم مغفور و تلاوت کلام مجید رطب اللسان عصرهما نروز جناب ناصر الملک به نفس نفیس بآن محضر

شریف تشریف فرما گردیده مجلس عزای بطلب مغفرت و آمرزش روح پر فتوح انعام کامل و تحریر فاضل طب الله تراه و دعای بقای ذات اقدس ملوکانه روحفداه ختم نموده وهم در آن روز جناب مستطاب قدوة الانام آقای ملا عبد الرزاق شیخ الاسلام دام عمره در دولتسرای خود مجلس عزای مفصل باشکوهی مرکب از قاطبه علمای اعلام و طلاب ذوی الاحترام و قاریان قرآن فراهم و مشغول قرائت و ذکر فاتحه و عن صمیم قلب طلب مغفرت از بارگاه حضرت عزت جل شاناه برای روح پر فتوح انعام ربانی میفرمودند در آن محضر مغفرت ماثور بعد از صرف طعام و اکل افطار بهر یک از طلاب و قراء قرآن از کیسه همت و قنوت که شیوه مرضیه انقدوه خواص و عوام است هر نفری دو هزار با جسان انعام رضوان مقام انعام دادند و مجلس عزای بقای ذات اقدس ملوکانه روحفداه باختتام رسانیده ایالت جلیله و جناب ملا عبد الرزاق شیخ الاسلام مع قاطبه اهل کردستان در عزای داری انعام غفران پناه که خدایش غریق بحار رحمت فرماید اقدامات مجدانه و اهتمامات مردانه معمول و مجری داشتند رحمت الله علیه و از طرف شریعت شرف جناب شیخ الاسلام تلکرافات تعزیت و تسلیت بدولت و اولیای دولت قوی شوکت و علمای اعلام شریعت غرابه نجف اشرف و کر بلائی معلا مجابره فرمودند الحق جناب معظم الیه نظر بجهته جامعه اسلامیت در عالم انسانیت از کیسه همت و قنوت مخارج فوق العاده و اقبسردگی بی اندازه در عزای آن مرحوم مغفور متحمل شده خداوند وجود مسعود آقای شیخ الاسلام را از کافه بلیات مصون و محفوظ فرماید بحق محمد وآله (وقایع نگار)

انزلی

وقایع نگار چهره نما مینگارد وزیر مختار دولت روسیه برای اقامت بدار الخلافه طهران و دربار دولت علیه ایران امروز با کشتی پست بانزلی ورود نمود مهماندار

يع فيه ولا خلة ولا شفاعة والكافرون هم الظالمون
چند نام من زدست احتكار

ريشه کن سازدخدا انبار دار

- پنازه ما خيره سران تبه روزگار. وفرومايه گان
هستي بي اعترار. لختي بميزان خردومل انديشي بحال فلاکت
اشتمال خود ینگریم بحکم قانون مجازات ومکافات - طبعه - عقل
سلم قنوي خواهد داد که عبث عبث تمامی نحوستها ونکتههاي
عالم وشدايد ومصائب متوحشين اقوام بني آدم که همه ناشي
از کثرت جهالت وشدة غفلت ووحشت آنهاست. و
سيلاب بلاوقتن اطراف مارا احاطه نکرده ودریا دریا
ابتلاآت متوحشانه که هر قطره اش انعدام واضمحلال قوميرا
کافي است وهمه ازسوء سيئات خودمانست بسويمان چهار
موجه هجوم نياورده اعمال قبيحه ميشومه وافعال شنيعه
مذمومه ما به بنیان اساس بقاء وهستي ما رنه انداخته

نه برويه اسلاف وطريقه نياکان پاکنامان که نخر
تاريخي قرون متکثرة دنياشمرده ميشوند ويغمبر اکرم صه
اقتخار ولادت خود را به يک از آنها داندرقتار ميناييم»
نه بسر مشق ودستور قانون نظام عالم بشریت وکتابچه
تحصيل ارتقاء بمقام انسانيت يعني يرليغ سبحاني وکتاب آسماني
(قران) که حاوي جميع جزئيات تمدن وترقيات هيئت
جامعه بشریست ومصدر کل قوانين مدونه مضبوطه اداره
جان دول معظمه است عمل ميناييم بي باکانه وکستخانه
اوراپشت سر هواوهوس پرستي ونفس پروري انداخته ايم
وکار خود را یکسره تباہ ساخته ايم وبا اين تسويلات واضحه
وحيل .وتغيرات لاشحه ودغل . وشياديهاي کوناگون
ونمازيهاي از خدا حصليرون بازرچاي صلاح واميدفوز
وفلاح داريم ذوقوماکنتم تکسيبون (از مکافات عمل غافل
مشو * کنندم از کنندم برويد جوزجو) فساد اخلاق کويا
بوديغت در طبيعت ما سرشته شده وقوه ناثوي قرار گرفته
از عهد مهدي تا هنگاميکه تن به تيره تراب کشيم وسر بيالين
لحد گذاريم از مادور نخواهد شد واورا چون جان کرامي
جاهلانه وبی خردانه دوست داريم و ذره اورا از خود

مخصوص از طهران مامور پذيرائي ايشان بودند جناب
سالار انختم هم از رشت به راه مهماندار بانزلي آمده بودند
هنکامی که کشتي پست وارد بارگاه دريا شده بود مهماندار
الی بارگاه دريا باستقبال رفته سفيرا با احترام تمام بکنار
آورده صاحب منصبان نظامي وقلمي درسر اسگله با افواج
ابوابجمعي خودشان حاضر بودند جناب سالار انختم وعמיד
همايون نایب الحکومه بالباس تمام رسمي درسر اسگله جلوتر
از همه ايستاده بودند همينکه سفير از پله هاي اسگله بزير آمد
شيور سلام برسم معمول کشيده شد سفير مشارالها با مهماندار
وسالار انختم دست داده وتعارفات رسيمه بجاي آوردند وازمیان
دوصف نظام عبور کرده داخل در حياط عمارت دولتي شده
صرف نهار نمودند وبعد باتفاق کشتي مخصوص همايوني عازم
بندر پير بازار شدند الحق جناب سالار انختم آنچه لازمه
مهمان نوازي بود بجاي آوردند

(چهره نما)

سفر او قنائل يعني ايلچي وکارپر دازهاي دول معظم
بمنزله آينه کياست وفراست دولت شناخته ميشوند ورفتار
وکردارشان استقلال دولت وسطوت سلطنت يار خلاف
اضمحلال دولت وضعف سلطنة خود را نماينده اند هم چنين
مهماندار هائيکه در حدود وبنادر بجهت ورود وخروج
سفرا وقنائل ياسفير فوق العاده وغيره معين هستند کفایت
ودرايت وکردار ايشان وقبي عظيم از دولت متبوعه خود
در انظار جلوه ميدهد آنچه تاحال مسموع شده جناب
ينگلر بي سالار انختم خدماتي نمايان بصدق وصف نموده مادر آينه
بطور اتم واکمل از صفات پسنديد. ايشان مينگاريم تا شايد
ديگران اقتباس کرده پيروي کنند وکترمال دولت راينما
کرده وخرمن خرمن رسوائی در میان گذارند

مقاله الاحتكار آفة العمران

(بقية از شماره ۱۳)

يا ايها الذين آمنوا ممارزقناكم من قبل ان يأتي يوم لا

دور نخواهیم این همه تبدلات کونیه که آفاق و انفس را مسخر داشته و ترقیات محیر العقول که دنیای عتیق ظلما نیرا منور نموده و تعدیلات کثیر الفصولی که فرق مختلفه مضحله معدومه را مقتدر ساخته (مثلاً سی ملیان ملت انگلیس را در ظرف یکصد و پنجاه سال انهمه قدرت و مکننت و ثروت و حکمت داده) بامدعی بودن دیده ینا و کوش شنوا و نطق گویا ذره در ما اثر نکرده و اعتماد نداریم (ام لهم اعین لا یبصرون بها .. اولئک کالانعام بلهم اضل) همه آثار قدرتی و یدایع خلقیه را ندیده و نشنیده فرض میکنیم و همه کتابهای مشحونه و بیانات کافیه خودی و یگانه راتر هات و مزخرفات میدانیم و هر یک بایک عالم فساد اخلاق که نتیجه اش برباد دادن خانهای کهن و ابناء محبوب وطن است تمامی سکنه دنیا را بقایین بی وجدانی و نبودن مروت و چهار میخه اغراض شخصی و بداری انصافی میکشیم و پوست زنده زنده از تن برادران دینی و اخوان وطنی میکشیم و باز هم در کمال پروئی و خدانشناسی و علل و افرة هنکام عمل فروشی میکوئیم بارواح مرحوم و الدماجد شدنک بهشت موعود تیول ابدی بنده است (و رضوان قباله جنات عدن را بکف گرفته میگوید بفرمائید که مدتی است آب و جاروب کشیده منتظریم (آب چشم بیوه بگرفتی فرستادی زپیش * اینک از بهر شما ما آب پاشی کرده ایم) بیاید از روزی که منتقم حقیقی و قهار ذو الاقدار فرمان سخط راند و بفرماید) خذوه و غلوه ثم الجحیم صلوه ای اغنیاء و متمولین وطن عزیز که در دایره ماومن خود را یکتا خوانید. و از صفوف قدسیان در رتبه و مقام بدون عمل مقام خود را بالاتر دانید و در زهد و ورع و تقوی سلمان و ابوذر را بکمر سیاه حبشی شمارید. و در ثروت و مکننت قارون و عزیز را یزه خور احسان خود بحساب آرید. و در علم و حکمت ار سطا طالیس و بوعلی سینارا طفل ابجد خوان خوانید و در سفاکی و بی باکی بخت النصر و چنگیز را وقعی نگذارید. و در غرور و کبر و نخوت فرعون و نمرود را مردمان ابله دانید. بکدام طریقت و آیین، و بچه مذهب و دین. رواست که شما شکمها را

از اغزیه های لذیده کونا کون و اطعمه های کثیره رنکار نک برکنید و با همسران گل پیرهن. و نازنینان سیمین ذفر بسر برید. و هموطنان ملی و برادران وطنی شما که همه پرورش یافته یک آب و خاکید و نشو و نما شده یک ارض تابناکید و از یک گوهر پاکید باشکم گرسنه شبانلند و قدرت نداشته باشند شکمی از نان بی خورش سیر نمایند و شما غله در انبار با با برکنید و معنی احتکار را روی خود نیاورید و بوسانید اگر بآیات کتاب مین اعتقاد و پرورستاخیز اعتماد دارید چرا خون ابناء وطن کرام را هم چون زلو میمکید اگر بخشبر و نشر و معاد و میزان و حساب و ایه (ان الینا ایابهم ثم ان علینا حسابهم) معتقد هستید چگونه ذره ناهای حبک شکاف ارا مل و ایتم بدل سخت ترازنک شما اثری نکند و وزی پشیمان شوید و ندامت آرید که سودی ندهد و حاصلی نه بخشد و آتش قها یت غضب منتقم حقیقی بسویتان زبانه کشد و سخط آلهی مشتی بد هانتان کوبد و گوید (الان قد ندمت و ما ینفع انتم)

تلکرافات عمومی

(پترسبورغ) مخبر روز از پترسبورغ پای تحت روس چنین خبر میدهد که (جنرال تریبوف) که سابق رئیس پولیس مسکو بود اعلحضرت امپراطور روسیه اورا بحکومت مطلقه پترسبورغ منتخب فرموده و تسلطه عامه باوارزانی داشته اند و امروز بعد از ظهر وارد شد بقصر بیلاق اعلحضرت امپراطوری و تمام رؤسای پولیس را طلییده و او امر آکیده نموده در اجرات حکم خود که بلا در نک اجرا دارند

(لندن) وقایع نگار دیلی تلکراف چنین منویسد که پس از تخلیه بندر پوآرتر شکفت غریبی باهالی دست داده که با وجود مطلع بودن (جنرال ستوسل روسی) از قوه جنگ خود و صده قشون صحیح الاعضاء که زیاده از بیست پنجهزار نفر بوده و مقامات منیعه که ممکن بود تا چند ماه

« مسکو » مخبر روتر میگوید که در کوچه و قهوه خانه و خمارخانهها دسته دسته مردم اجماع کرده زمزمه دارند دور نیست آتش شورش زبانه کشد

« پترسبورغ » مخبر روتر میگوید امروز صبح قبل از برآمدن آفتاب از دفن اموات مقتولین فراغت حاصل شد (جنرال تریوف) حکم داده صاحبان کشته ها را نگذارند دیدار کنند

« ایضاً » بواسطه انداختن فشنگ اهالی و بلواییان عقب نشسته و شهر قدری آرام گرفته اعلحضرت امپراطور روس نطقی کرده میفرمایند ایفرزندان من شما را بی هتکام قیام کرده اید قدری سکوت و صبر کنید من بدخواه شما اقدام خواهم کرد حالیه باید برفع دشمن عنود پرداخت و بعد البته بشماها اگر اتمات زیادخواهم نمود

« لندن » مخبر دیلی جز میدهد اعلحضرت امپراطور روسیه « بجنرال تریوف » حاکم پترسبورغ او امر مؤکده فرموده اند که بهر قسمی هست آتش فتنه را بجواباند (جنرال تریوف) اعلانی اشاعت داده که هر کس در ظرف بیست چهار ساعت بعقب کار خود نرود جان و مالش در امان نیست

« توکیو » اعلحضرت میکادوی ژاپون تلکرافاً « بجنرال نوجی » وسایر سران و افسران فاتح بندر پورآرتر تهنیت داده و حسن خدمات آنها را آفرین فرموده

« مسکو » مخبر روتر چنین خبر میدهد که شور بلواییان از هر طرف قوت گرفته و شهر ظلمت صرف است قیمت شمع بواسطه فقدان نور کهربائی بالا رفته

دیگر مقاومت نمایند - چگونه رای داد در تسلیم شدن انهم با شرایطی بدخواه ژاپونیان در حقیقت پس از استقامت و بهادری بخرج دادن - پنجاهه و مدافعه کردن عاقبت ستوسل خود را رسوا ساخت و نام خود را در هر جا بزشتی منتشر نمود و دولت متبوعه خود را عبت بحسارت هنگفتی مبتلا کرد

(پترسبورغ) مخبر روتر خبر میدهد بزرگترین کشیش روس « الکس زابون » که در نفوذ کلام و علو مقام رتبه بسزا دارد اعلانات پیاپی اشاعت داده قسمتی باهالی و شورشیان و قسمتی بقزاقان و پولیس و آنها را ترغیب مینماید بانحاد و یکجهتی و انتقام خواستن از اعلحضرات امپراطور و ازین نسخ - نبدین هزار - پاپ و منتشر نموده (ایضاً) مخبر روتر میگوید که سواران دفعه اول تفنگها را بدون فشنگ سربی به بلواییان شلیک کردند اثری نه بخشید مگره ثانی امر صادر شد که با فشنگ سربی شلیک کنند و آنها را از دور قصر ییلاق دور کنند سوا این پیرحانه عده کثیر را بخاک ریختند

« ومیه » مخبر هاواس خبر میدهد که حضرت پاپ تلکرافاً از اعلحضرت امپراطور روسیه خواهش میکند که با امت قدری شفقت و مهربائی بنمایند و با عیت سلوک و مدارا کنند

« توکیو » جنرال مارشال اوایما سپهسالار قشون ژاپون خبر میدهد که دسته از پیادهای ژاپون دسته از سواران روس را احاطه کرده چهار ساعت در زد و خورد بودند عاقبت سه افسر و سیصد بیست هفت نفر روسی متقون و بقیه فرار اختیار کردند

« پترسبورغ » عملجات کارخانجات چراغ الکتریک و چراغ گاز دست از کار کشیده و داخل بفرقه بلواییان شده باین سبب شده سرما و وحشت تاریکی غیر شورشیانرا باضطراب انداخته گوشه کنار دست بردهای جزئی میشود « برلین » معاهده تجارتی فیما بین دولت آلمان و نمسه بانجام رسیده و طرفین مقضی المرام شدند

ابواب جمعی امناء چهره نما

ما محض تسهیل زودتر رسیدن حقوق اداره چهره نما در داخله ایران هر چند ولایت را بیگشهر ابواب جمع میکنیم که برای شرکاء و کولاء دیگر راه عذر بسته باشد و حقوق

ادار مرا به تجارتخانه های ذیل پردازند که بداره زودتر خواهد رسید

(ابواب جمعی رشت)

وکلاء و شرکاء (انزلی) (پیربازار) (لاهیجان) (استرآباد) (بندر جز) (اردبیل) و خود وکیل رشت و سایر شهرهای جزو باید برسانند در رشت به تجارتخانه جناب مستطاب . . حاجی آقا تاجر رشتی امین محترم اداره چهره نما (ابواب جمعی اصفهان)

وکلاء و شرکاء تمامی بلو-ستان (کرمان) (اربعه بم) « سیرجان » « رفسنجان » « یزد » « کلشان » « دولت آباده » « سلطان آباد » کرمانشاهان « نائین » (محلات) (آباد) (قمشه) و خود وکیل اصفهان و سایر شهرهای جزو باید برسانند در اصفهان سرای طالار بجناب مستطاب . . آقا محمد رضا صاحب تاجر اصفهانی امین محترم اداره چهره نما

بقیه اسامی وکلای عظام روزنامه - بهره نما

(در بلاد ایران)

- (بندر لنکه) جناب آقای آقا سید احمد سید محمد سید عبد الرحیم تاجر بستکی
- (بندر بخرین) جناب آقا عبد الواحد صاحب نجل حاج لطفعلی تاجر خنجی
- (بهبهان) جناب حاج میرزا عبد النبی خان سرهنگ رئیس پستخانه مبارکه
- (فساء) جناب آقای محمد حسن خان رئیس پستخانه مبارکه
- (قمشه) جناب آقای آقا میر سید عبد الله رئیس شرکت قمشه
- (بار فروش) جناب آقا محمد حسن تاجر بادکوبه
- (ساری) جناب آقا میرزا هدایت الله خان رئیس پستخانه مبارکه

(لاهیجان) جناب آقا میرزا محمد خان رئیس پستخانه مبارکه

« ساوجبلاغ » جناب آقای آقا میرزا معروف
« سلطان آباد » جناب آقا محمد آقا تاجر طهرانی
« نائین » جناب میرزا محمد رضا سالک
« محلات » جناب آقای میرزا احمد خان مستوفی
« جلفای تبریز » جناب آقا مشهدی رضا آقا محمود آقا تاجر خونی

« خوی » جناب آقا محمد حسن آقا صراف محمود اف
« یزد » جناب حاجی محمد جواد صاحب الشهبیر بعرب
« کرمان » جناب آقا میرزا غلام حسین تاجر کرمانی
« اربعه بم » آقای میرزا حیدر علی خان سرهنگ رئیس تلکرافخانه

« مشهد سر » جناب حاجی آقا مغاز بی
« اشرف » آقای میرزا عباسخان رئیس پستخانه مبارکه
« کرمانشهان » جناب آقا محمد رضا نجل جناب حاجی محمد علی تاجر اصفهانی بقیه دارد

اسکندریه

چند روز است هوای اسکندریه مختصر انقلابی پیدا کرده و جزوی اختلافی بهم رسانیده . نسیم دلکشش که غالیه زا و غموبا بود . کوئی رایحه کافور پبار آرد . و شمعی عسک نیزش که عقده کشا و فرح افزا بود نرمک نرمک برودت یکار آرد لاکن نه در ختکیش قوامی . ونه در برودت و سردیش دواعیست . حجاج بیت الله الحرام از هر کرده وارد و روانه کعبه مقصود میشوند از ایرانیان بلاد خارجه یکی میرزا محمود آقا شیرازی و بیس قونسله رنگون بانفاق فرزند خود وارد و بسلامتی حرکت کردند وهم آقا میرزا محمد جعفر آقا رضا یوف مقیم شتکائی وارد و خارج شدند خداوند تمامی حجاج بیعت الله

و جریده وحیده (دعوة الحق) منطبعه طهران بداره رسید
هر سطرش از حقیقت دین اسلام یک عالم شواهد متینه
و حجج شافیه در بر. و در هر حرفش از طریقت آیین
خیر الایمان یک دنیا دلائل مینه و علام کافیه مستتر داشت
(وفي كل لفظ منه روض من المنى * وفیکل سطر منه
عقد من الدرر) کافه اسلامیانرا اولین مفتاح فوز و فلاح.
و قاطبه مؤمنین را بهترین سرمایه مصلحت و صلاح است.
هزار افسوس از جهالت ملت که این در گرنایه تیم و از بی
خریدی ابناء وطن عقیم است هر ماهی یکبار زینت بخش
میگردد و قیمت سالیانه اش یکتومان امروز بر اولیای دولت
قوی شوکت فرض است این قبل جراید را مثل (دعوة الحق)
« و گفتگوی صفاخانه اصفهانرا » نظر توجه بسویشان
معطوف بدارند شاید اینها در مقابل دعاة مسیحی و کشیشان
بدهنجا رسد سیدی شده علی العجالة جناب مدیر معارف
تحمیر دعوة الحق آقای اقا شیخ محمد علی بهجت دزفولی را
تهنیت میگوئیم و از خدا قوام و دوام این جریده اسلامی را
تا قیام قیامت خواستگاریم

اعلان

این بنده مشهدی حاجی دلالت اف محض خدمت به برادران
دینی و ابناء وطن معزز مهانخانه در باد کوبه مطابق سرای
حسین اف باز نموده ام در کمال نظافت و پاکیزگی و همه
گونه اسباب مهیا نموده ام که مسافری محترم که بفرنگستان
میروند و حجاج و زوار مشهد در کمال راحتی ورود و خروج
کنند ما محتاج مسافری از قبل نهار شام چاهی قیامت
تخت خواب چراغ الکتریک در کمال خوبی موجود است
انشاء الله الرحمن کسی بی میل نخواهد بود و زحمات این
بنده در این خدمت بزرگ در نظر هموطنان دینی و وطنی
بی اجرا نخواهد بود

اعلان ثانی - صفحه (۱۵) عنوان اسکندریه تصحیح نشده

چاپ و بعد چند غلط دیده شد معذرتست

مقضي المرام باوطن مالوف خود بصحت و سلامتی
عودت دهد جناب اشرف پرنس ارفع الدوله بقراین
از سیر و سیاحت اصوان و مقامات آنتیغه خانهای بعیده که
خیال داشته تردید پیدا کردند معاودت باسکنندیه نمودند
و عازم اسلامبول گردیدند هنگام حرکتشان کسانیکه از
مصر بمشایعت حاضر شده بقاء السلطنه وزیر مقیم و سایر
قناصل جزء به ایرانی و به قناصل سایر دول و جمع کثیری
بزرگان و پاشاوات که تصریح باسم همه باعث تطویل است
بودند و هم چون زمان ورود باز از جانب حکومت دسته
پولیس حاضر و از دو طرف رصیف ساحل دیار
نظام کشیده حضرت اشرف از بین عبور کرده بقرار
معمولی سلام نظامی دادند تا بسطح کشتی صعود فرموده
پس از سکون و توقف در اطاق کشتی و صرف شیرینی
از بدرقه جیها معذرت طلب فرمودند و در حفظ و حراست
قادر متعال بطرف علیه اسلامبول حرکت کردند

جلفا

مکتوبی بدرازی شب یلدا حسرت زایانامه عاصی از
جلفای تبریز بداره رسید بدین امضا (ن وطنی) آنچه
انوطن پرست ملت خواه از خامه شراره آه اش ریزش
کرده تمامی عین حقیقت و حقیقت صرف است و بر هیچ
صاحب وجدانی جای تردید باقی نیست و ما تصدیق میکنیم
نکارشاشرا آنکه خواهش اندارج پس از تصلیح
رفته بود اولاً مراسلاتیکه بداره میرسد حرف بحرف
مندرج میشود بدون تصرف نانیاً از او کسانیکه مکاتبات
مینمایند یا باید معروف اداره باشند یا آنکه دیگری آنها را
معرفی نماید انوقت هر قسم امضا گذارند محض است چنانکه
معمول میداریم

دعوة الحق

در خلال این اسبوع چند مجله از رساله شریفه